



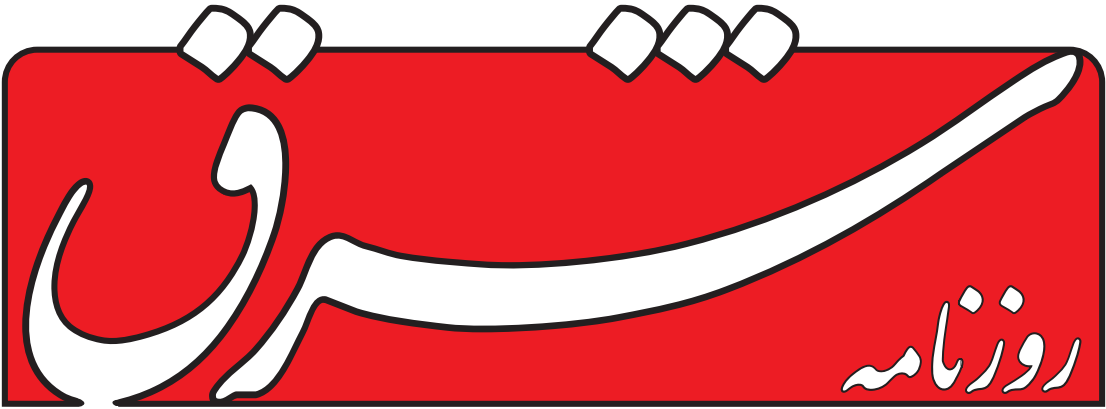
رئیس قوه قضائیه:

هتک حرمت نسبت به هر شخصی مذموم و محکوم است

گروه سیاست: رئیس قوه قضائیه با اشاره به مواضع رهبر انقلاب گفت: هتک حرمت و هرگونه افترا و تهمت، نه تنها نسبت به مسئولان بلکه نسبت به هر شخصی مذموم و محکوم است. سیدابراهیم رئیسی در جلسه شورای عالی قوه قضائیه...

صفحه ۳

سه شنبه ۶ آبان ۱۳۹۹ - ۱۰ ربیع الاول ۱۴۴۲ - ۲۷ اکتبر ۲۰۲۰



با استقرار کارشناسان قوه قضائیه در مجلس صورت می گیرد

شفاف سازی دارایی نمایندگان

صفحه ۲



پرچم سفید قالیباف

سخنان مقام معظم رهبری: فصل الخطاب شد

صفحه ۲



فاصله بین روحانی و قالیباف تمام می شود؟

محمود واعظی: با جلسه به صورت ویدئو کنفرانس مشکلی نداریم

صفحه ۳

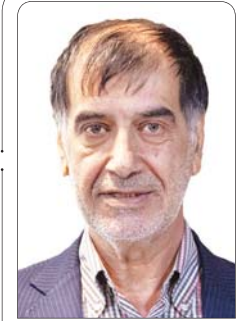
عکس: پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری

شش ماه پس از روی کار آمدن مجلس

انتقاد دوباره باهنر از مجلس یازدهم

گروه سیاست: محمدرضا باهنر برای چندمین بار در این شش ماه برآمدن مجلس یازدهم اصولگرا، از نماینده های مجلس انتقاد کرده و گفته است برخی از نمایندگانی که برای بار نخست به مجلس می آیند، می گویند در دوره های قبل...

صفحه ۲



سرمقاله

مسئولان، شجاع باشند

سیدمصطفی هاشمی طباطبائی



رهبر انقلاب در سخنرانی های اخیر خود، تاکید کردند همه راه حل ها در داخل وجود دارد و مسئولان را به عقل و البته شجاعت تصمیم گیری فراخواندند. نگاه به داخل امری بسیار پسندیده است و باید مسائل را از این طریق حل کرد و همه مسئولان و روحانیون و عناصر مؤثر در اداره کشور باید به آن اعتقاد داشته باشند و براساس آن حرکت کنند. به طور کلی از مجموع سیاست های جاری (نه فقط سیاست های دولت) کشور، چنین استنباط می شود که حرف ها و سخنرانی ها از محتوایی برخوردار است که مسئولان کشور به آن عمل نمی کنند. حدود ۴۰ سال است که سیاست انقلاب اسلامی براساس دشمنی با آمریکا پایه گذاری شده، در عین حال که این سیاست را پی می گیریم، بانک های آمریکایی را مورد اطمینان قرار داده و سپرده های خود را خارج نکرده ایم و این چنین است که مقادیر معتابیهی از امکانات کشور با تصمیم خزانه داری آمریکا یا رای دادگاه های آمریکا مصادره شده است. همه می دانیم که همه پرداخت های دلاری دنیا از خزانه داری آمریکا رد می شود و سال ها ست ما این را قبول کرده ایم و آمریکا از همه مبادلات دلاری ما اطلاع دارد. برای من سؤال است و در این مورد چهل دارم که آیا غیر از این نمی توانستیم به روش دیگری عمل کنیم؟ هر چند در این مورد تردید و چهل دارم اما در مورد دیگری با استفاده از اطلاعات سالیان دراز و صراحت های ریاست فعلی بانک مرکزی تردیدی وجود ندارد و آن ورود بانک مرکزی به بازار داخلی ارز، به اصطلاح برای کنترل قیمت ارز در بازار و فروش ارز در بازار آزاد به افراد مختلف است که به اعتراف ریاست بانک مرکزی کنونی تاکنون ۲۸۰ میلیارد دلار از این طریق خروج سرمایه داشته ایم. پخش کردن ارز در بازار آزاد خود موجب توانمندی ارزی باندهای قاچاق می شود. در حالی که همه می گویند با قاچاق باید مبارزه کرد و قاچاق منهدم کننده تولید داخلی و تجارت رسمی است، خود به دست خودمان ارز در اختیار این باندها می گذاریم و بعد کوبلرهای نادار و فقیر را مورد تعقیب قرار می دهیم که کالای قاچاق به کول می کشند، در حالی که در همان حال همان کالاها به وفور در بازار بانه و تهران وجود دارد و به راحتی خرید و فروش می شود. در حقیقت اگر خوب ببیندیشیم می توانیم بفهمیم که راه حل های اقتصادی ما در داخل متکی به یک عامل خارجی یعنی دلار آمریکاست. تا وقتی دلار آمریکا آن همه در فضای اقتصادی و اجتماعی ما حاکمیت دارد، گسستن بندهای وابستگی به بیگانه حرفی غیرعملی است، به علاوه بانک مرکزی وظیفه حراست از اموال مردم را دارد که با فروش ثروت گران بیهی آن به دست آمده اما بانک مرکزی و حاکمیت به دلیل آنکه با فروش ارز بخشی از بودجه کل کشور تأمین می شود و فروش ارز با طلا به سادگی و بدون دردسر ممکن است، علاوه بر آنکه در بازار، ارز پخش می کنند، از گران شدن آن خشنود می شوند، زیرا بودجه بسیار سنگین کشور که با لایحه بودجه هر سال تسلیم مجلس می شود و مجلس به ارقام آن نیز می افزاید، باید به نحوی تأمین شود. بنا به اعلام بانک مرکزی هم اکنون روزانه ۵۰ میلیون دلار اسکناس به بازار تزریق می شود (برخی می گویند ۸۰ میلیون دلار) که سالانه بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار و با نرخ روز مبالغ معتابیهی ریال از کسر بودجه را تأمین می کند و دولت در شرایط رکود اقتصادی و کاهش درآمدهای مالیاتی (و عدم توانمندی قانونی و اجرایی برای دریافت مالیات از بسیاری از کسانی که باید مالیات بپردازند) طبعاً موجب خشنودی دولت می شود و اگر چنین نکنند، در پایان ماه از پرداخت همین حقوق و مزایای کارکنان دولتی اعم از لشکری و کشوری عاجز می شود.

ادامه در صفحه ۲

جناب آقای سیامک ملکی

درگذشت پدر گرامی تان را به جناب عالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض می کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر آرزو مندیم.

مهدی رحمانیان و علیرضا رحمانیان

جناب آقای سعید توتونچی و سرکار خانم ندا جهانگیری

مصیبت وارده را به شما و سایر بازماندگان صمیمانه تسلیت عرض می کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومان رحمت واسعه و برای شما صبر آرزو مندیم.

علیرضا رحمانیان و زهرا شفیعی

یادداشت

مشابه سازی ایران و آلمان بعد از جنگ؟

بر همین اساس، طرح مارشال یعنی کمک خارجی ای که ایالات متحده از سال ۱۹۴۷ در اختیار سایر کشورهای اروپای غربی قرار داده بود، به آلمان نیز تسری یافت و آلمان در همان زمان پول رایج ضعیف و متورم خود را با پول جدیدی به نام مارک عوض کرد. وزیر اقتصاد آلمان به نام لودویگ ارهارد، به نهادینه کردن سیاست های تعدیل شده بازار آزاد پرداخت و از کمک برنامه مارشال برای احیای اقتصادی فوق العاده موفق استفاده کرد که به «معجزه اقتصادی» معروف شد؛ جیره بندی ها لغو شدند، تولیدات صنعتی و کیفیت زندگی جهش کرد و رؤیای قدرت خرید یک خودرو و خانه برای اهالی آلمان غربی محقق شد. اما به نظر می رسد آنچه باعث این معجزه اقتصادی شد، نه از طریق طرح مارشال و کمک خارجی بلکه بیشتر به دلیل سیاست های عمومی دولت و اصلاحات اساسی ای بود که از درون دولت و با سیاست گذاری مدیرانه، به ویژه از زمان کنراد آدناور و ویلی برانت شروع شد. هرچند متفقین پس از جنگ جهانی دوم ۲۴ رهبر زنده مانده ارشد نازی را بابت جنایات جنگی در نورنبرگ محاکمه کردند، ۱۰ نفر از ایشان به مرگ محکوم شدند، هفت نفر دیگر حکم حبس طولانی مدت یا ابد گرفتند و بسیاری را به جلسات «روگردانی از نازی» کشاندند که شامل بررسی سابقه ایشان در حزب نازی و آموزش دوباره آنان بود، اما یکی از مشکلات متفقین و خود آلمانی ها در پدید آوردن یک دولت آلمانی کارآمد پس از جنگ، لزوم دسترسی به کارکنان مجرب بود. با وجود این، اکثر قریب به اتفاق آلمانی های که در سال ۱۹۴۵ تجربه کار دولتی داشتند، آن تجربه را در دولت نازی به دست آورده بودند. از این رو، ختمش می کرد آدناور، نخستین صدراعظم آلمان غربی پس از جنگ

کشور لیبرال دموکراسی است و نظام اقتصادی آن جایگاه چهارم جهان را دارد و از بیشترین صادرات صنعتی است. سؤالی که مطرح است، این است که آلمان چگونه توانست قنونس ووار از خاکستر ویرانی های جنگ بریزد و امروز در جایگاه چهارمین کشور برتر اقتصادی جهان قرار گیرد؟ پس از جنگ جهانی دوم، ابتدا متفقین پیروز در نظر داشتند آن کشور را از بازسازی صنایع خود بازدارند و بر اساس «طرح مورگن تاو»، نظام اقتصادی را مجبور به بازگشت به دوران کشاورزی و پرداخت خسارات جنگ به متفقین مانند جنگ جهانی اول کنند که شوروی نیز در آلمان شرقی این روش را اجرائی کرد. آن راهبرد از نگرش گسترده متفقین ریشه می گرفت که آلمان را علاوه بر مقصد دانستن بابت شروع جنگ جهانی دوم در زمان هیتلر، مسئول شروع جنگ جهانی اول در زمان قیصر ویلهلم دوم نیز دانسته و معتقد بودند اگر بگذارند آلمان دوباره صنعتی شود، شاید جنگ جهانی دیگری رخ دهد. این طرح در سال ۱۹۴۵ میلادی در کتابی تحت عنوان «آلمان مشکل ماست» (Germany is Our Problem) توسط هنری مورگن تاو در منصب وزیر خزانه داری ایالات متحده با هدف بازداشتن آلمان از هرگونه جنگی در آینده ارائه شد. آنچه باعث تغییر نگرش متحدان غربی شد، گسترش جنگ سرد و بی بردن به این حقیقت بود که خطر یک جنگ جهانی دیگر نه از جانب آلمان بلکه به شوروی مربوط خواهد بود. از دیگر انگیزه های کنترآمدن با قدرتمند شدن آلمان غربی می توان به خطر سقوط یک آلمان ضعیف و سرخورده به دامن افراط گرایی سیاسی (که پس از جنگ جهانی اول رخ داد) و کاهش هزینه های اقتصادی متفقین غربی در تأمین نیازهای حمایت از آلمان غربی ضعیف اشاره کرد.

حمید شجاعی

تحلیلگر



این روزها برخی وضعیت ایران را با شرایط آلمان پس از جنگ جهانی دوم مقایسه می کنند و بر این باورند که نظام اقتصادی و اجتماعی ما وضعیتی مشابه آلمان پس از جنگ جهانی دوم را تجربه می کند. فارغ از اینکه این مشابه سازی چه مقدار دقیق باشد، با وجود این بررسی تجربه کشور آلمان پس از جنگ جهانی دوم و شیوه حکمرانی کنونی زمامداران آن می تواند برای هر کشوری آموزنده باشد. در آلمان پس از جنگ جهانی دوم حدود هفت میلیون نفر شامل سربازان، شهروندان غیرنظامی یا پناهندگان بسر اثر درگیری در جنگ اصابت بمب یا ترس از انتقام به خاطر جنایات های وحشتناک آلمانی ها در حق شهروندان سایر کشورها، هنگام فرار کشته شدند، ده ها میلیون نفر به خاطر بمباران های شدید آسیب دیدند، تقریباً تمام شهرهای بزرگ آلمان با خاک یکسان شدند و بین یک چهارم تا نصف خانه ها در شهرهای بزرگ تخریب شدند و حدود ۱۰ میلیون آلمانی به پناهندگان بی خانمان تبدیل شدند. یک چهارم قلمرو آلمان به لهستان و شوروی الحاق شد و آنچه باقی ماند، بین چهار کشور پیروز تقسیم شد. نظام اقتصادی آلمان پس از شکست این کشور در سال ۱۹۴۵ فروپاشید. پول آلمان به سرعت و به خاطر تورم ارزش خود را از دست می داد. مردم آلمان ۱۲ سال بود که برنامه ریزی نازی را تحمل کرده بودند. تقریباً همه مسئولان دولت و قضات آلمان از نازی های دواشته بودند. اما امروز آلمان یک

حرف اول

چین و انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

حسین ملانک . سفير سابق در چین



اعداد و ارقام و افکار سنجی های گسترده می گویند که بایدن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بر دونالد ترامپ پیروز خواهد شد و در ۲۱ ژانویه ۲۰۲۱ به عنوان رئیس جمهور آمریکا سوگند خواهد خورد. اما «پل ابرتسون» از برنفوذترین روحانیون مسیحی اوانجلیست معتقد است خداوند به او گفته: «ترامپ انتخابات را خواهد برد ولی آمریکا را ناآرامی گسترده ای وارد خواهد شد و شاید بازگشت مسیح محقق شود و پایان جهان باشد». آنچه این روحانی به آن اشاره می کند، در واقع عقیده بسیاری از مردم آمریکاست که پایه رای ترامپ را تشکیل می دهند. او را فرستاده مسیح می دانند و دور قبل نیز وی را به مسند ریاست جمهوری رساندند. وقتی از رابطه چین و آمریکا صحبت می شود، قطعاً از رابطه دو سیستم بالغ و جاافتاده، دو اقتصاد بزرگ دنیا با درهم تنیدگی بسیار زیاد که غیر قابل مقایسه با روابط سایر کشورهاست، صحبت می شود. این دو سیستم قطعاً ترجیحاتی برای خود در کشور مقابل قائل هستند اما این ترجیحات قبل از اینکه آزروسی استراتژیک باشد، جنبه تاکتیکی دارد. بر اساس گزارش World Economic Outlook ۲۰۲۰ منتشره توسط IMF اقتصاد چین با بزرگی معادل ۲۴.۲ تریلیون دلار حدود چهار تریلیون دلار از اقتصاد آمریکا جلو افتاده و بزرگ تر شده و اقتصاد اول دنیا محسوب می شود. این گزارش توسط سازمان سیا نیز تأیید می شود. بر همین اساس تعداد افرادی که بیش از یک میلیارد دلار ثروت دارند، در چین ۸۷۸ نفر یعنی ۹۰ نفر از آمریکا بیشتر شده است. اقتصاد چین قطعاً ترجیحاتی برای بهینه کردن ارتباط خود با آمریکا دارد. این ترجیحات می تواند در دو زمینه باشد: ترجیح سیستمی، به این مفهوم که سیستم آمریکا مانند ده ۸۰ از رشد و توسعه چین حمایت کند که دیگر آزروسی بیش نیست و نظام اقتصادی سیاسی آمریکا از سال ۲۰۰۰ به بعد چین را اول رقیب و بعد یک تهدید تعریف کرده است. انتخاب بعد ورود به رقابتی نفسگیر است که چین باید آمریکا را قانع کند که در غیاب هر نوع رویارویی نظامی همکاری دو کشور می تواند برد-برد باشد. در این مسیر نقش کارگزار (رئیس جمهور) و رفتار و چگونگی شکل گیری تصمیمات اهمیت پیدا خواهد کرد. از این منظر تفاوت هایی بین بایدن و ترامپ برای چین وجود دارد.

ادامه در صفحه ۴

بدون هزینه ار سال



روزنامه شرق

تحويل روزنامه در منزل
یا محل کار شما

۸۸۹۰۳۵۴۸